

جغرافیای سیاسی حاکمان ناشناس

پوریا دیدار



و گفتارهایش بازشناخت. رفتارها و گفتارهای اطرافیانش هم دستکمی از رفتار و گفتار وی ندارد. به طور نمونه اظهاراتش در مورد حضور زنان در ورزشگاهها و برگزیدن زن در کابینه که از سوی حامیان سرسختش چه در قم و چه در بیت سخنگویی همواره مورد انتقاد بوده است.

اطرافیانش هم به حدی از تنوع فکری برخوردارند که نمی‌توان چهره وی را در آنها مشاهده کرد. از یک سو

کلهر در زمره مشاوران راستینش قرار دارد که شدیداً نسبت به یک سری تابوهای اجتماعی بی‌تفاوت نشان داده است. به نحوی که در سخنانش اموری همچون دوچرخه‌سواری زنان یا برگزاری کنسرت خوانندگان لس‌آنجلسی در ایران یا قرار گرفتن بشقاب‌های ماهواره بر سقف خانه‌های شهروندان را مجاز دانسته است یا مثلاً اظهارات مشابهی که جناب رییس‌جمهور ارادت عجیبی نسبت به ایشان دارند. از یک سو مساله هولوکاست مطرح و بر آن اصرار ورزیده می‌شود و از سوی دیگر مردم اسرائیل، دشمن ایدئولوژیک جمهوری اسلامی، دوست انگاشته می‌شود و میان وزرای علوم دو کشور خوش و بش صورت می‌گیرد. از یک سو شعارهای ضدآمریکایی شدت می‌یابد و از طرفی پیغام و پیغام‌هایی که چه به صورت رسمی و در قالب نامه تبریک به رییس‌جمهور آمریکا و چه به صورت غیررسمی و از طریق دوستان منطقه به ایالات متحده فرستاده می‌شود. آن هم در حالی است که رهبران ایران از آمریکا همواره به دشمن قسم خورده این کشور یاد کرده‌اند که - به نظر آنها - در تمامی حرکت‌ها و جنبش‌های معترضین دولت و حکومت اعم از قانونی و غیرقانونی، مسالمت‌آمیز و غیرمسالمت‌آمیز نقش حمایت‌گرانه و تسهیل‌کننده‌ای ایفا کرده است و رد پای این کشور در هر فتنه‌ای در این سرزمین نمایان و مشهود است.

پرداختن به مجموعه‌ی این رفتارها و شعارها

احمدی‌نژاد و جریان سیاسی برآمده از وی، در جغرافیای سیاسی ایران آن چنان ناشناخته و گنگ است که نمی‌توان جایگاه و نشانی آن را در نقشه سیاسی ایران به راحتی یافت. وی و جریان سیاسی‌اش، پرورش‌یافته در دولت‌های پیشینی است که امروزه به منتقدین سرسخت و آتشین آن‌ها تبدیل شده است. احمدی‌نژاد در دو سوی جناح‌های سیاسی کشور نه آن قدر به اردوگاه اصول‌گرایان نزدیک است که بتوان وی را برآمده از این جریان سیاسی دانست و نه از دل حزب یا جریانی بیرون آمده است که بتوان اهداف وی را با نگاه به آموزه‌های مورد قبول آن حزب رهبری کرد. از سوی دیگر نمی‌توان وی را اصلاح‌طلب فرض کرد چرا که شدیداً منتقد این جریان است و آن را جریانی انحرافی فرض می‌کند. در عین حال چندان هم اصول‌گرا نیست و شاید به همین جهت است که اصول‌گرایان شناخته شده مهر چندان به وی ندارند و او را برادر راستین خود نمی‌دانند و با شک و احتیاط به اعمال وی می‌نگرند. هم از این رو، محمود احمدی‌نژاد خود را از هر حزبی مجزا می‌داند و معتقد است که به هیچ حزبی متعلق نیست. او خود را فراتر از احزاب دانسته و به بیان دیگر خود را به هیچ حزبی مدیون نمی‌داند. به همین جهت روزی خود را سمبل اصول‌گرایی و روزی دیگر خود را نماد تغییر می‌داند؛ فارغ از آن که خود را ملزم به رفتار متناسب با این شعارها کرده باشد. در عین حال بر خلاف اظهارات ولایت‌مدارانه‌اش، برخی معتقدند چندان هم به ولایت‌مداری پایبند نیست. نمونه این عدم پایبندی را هم می‌توان در قضیه چندین باره مشایبی رصد کرد که هر بار، از سوی ولایت‌مداران مورد انتقاد شدید واقع شد. مبنای انتخاب و تغییر اعضای کابینه و مشاورانش هم آن قدر نا معلوم است که آن هم کمکی به شناختن رفتارهایش نمی‌کند.

از سوی دیگر، احمدی‌نژاد آن قدر رفتارها و گفته‌های متنوع و متناقضی در امور مختلف داشته است که حتی نمی‌توان تفکرات وی را از رفتارها

نه تنها گره‌ای از این کلاف سردرگم باز نخواهد کرد که به عکس، گره آن را کورت‌تر هم خواهد نمود. به نظر می‌رسد که این جریان از انسجام فکری و عملی چندان برخوردار نبوده است و پذیرفتن آنها در قدرت تنها به خاطر حمایت بخشی از شخصیت‌های اصلی نظام که با انگیزه کنار زدن رقیبان و تحکیم جایگاه خود در منظومه قدرت بوده، صورت گرفته است. و با نشستن در جایگاه منتقد عملکرد گذشته مقامات ایران و با استفاده از محبوبیت اندک هاشمی در میان عموم مردم ایران و با در پیش گرفتن سیاست‌های سلبی به جای ارایه دادن برنامه دقیق در امور کشور، توانسته این جایگاه را به دست آورد و حال تازه در صدد بر آمده تا منظومه فکری و عملی خود را سر و سامانی دهد. این در حالی است که اعضای این جریان سیاسی، در نظم بخشیدن به افکارشان هم آن چنان آشفته‌اند که نمی‌توان چندان امیدوار به یک تفکر منسجم و روشن از سوی آن‌ها بود و در نتیجه نمی‌توان بر این اساس خواسته‌ها و برنامه‌های آن‌ها را از هم تمیز داد.

نقلی قدیمی است که می‌گویند دو دسته از گروه‌ها پیچیده عمل می‌کنند یک گروه افرادی هستند که از برنامه دقیقی برخوردارند و دسته دوم گروهی هستند که هیچ برنامه‌ای ندارند. این که این جریان در کدام گروه می‌گنجد چیزی است که زمان پرده از راز آن بر خواهد داشت.